عرصه های مختلف هنری
(فلسفه هنر)

قابل استفاده برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته هنر

و

علاقه مندان به هنر

علی فصیحی،صغری طاهرخانی،لیلا پیری

ت ۱۳۹۵

www.ketab.ir

سرشناسه : فصیحی، علی، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور : عرصه‌های مختلف هنری: (فلسفه هنر) قابل استفاده برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته هنر و علاقه‌مندان به هنر/ علی فصیحی، صغری طاهرخانی‌خاتی، لیلا پیری.

مشخصات نشر : تهران:صغری طاهرخانی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۳۶۹ص.
شابک : ۲۵۰۰۰۰ریال: 978-600-04-5281-0
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : فلسفه هنر قابل استفاده برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته هنر و علاقه‌مندان به هنر.
موضوع : هنر -- فلسفه
موضوع : Art -- Philosophy
موضوع : هنر -- فلسفه -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع : (Higher) Art -- Philosophy -- Study and teaching
شناسه افزوده : طاهرخانی، صغری، ۱۳۶۱ -
شناسه افزوده : پیری، لیلا، ۱۳۵۷ -
رده بندی کنگره : ۷۰۱۷/ف ۹۵۴ ۱
رده بندی دیویی : ۷۰۱
شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۷۴۰۶۷

نام کتاب	:	عرصه های مختلف هنری(فلسفه هنر)
نویسنده	:	علی فصیحی- صغری طاهرخانی- لیلا پیری
ناشر	:	مولف نا... تهران
نوبت چاپ	:	اول
شمارگان	:	۱۰۰۰
قیمت	:	۲۵۰۰۰تومان
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۲۸۱-۰

دفتر انتشارات: تهران
تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۷۹۳۱۶۴ ۰۹۳۶۱۵۲۹۳۸۹
پست الکترونیک: a.tadvin28@gmail.com
هرگونه نسخه‌برداری و تکثیر از کل کتاب یا بخشی از آن ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

www.ketab.ir

مقدمه

تا کنون تعاریف زیادی از هنر از سوی صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه ارائه شده است، امّا هنوز تعریف ثابت و مشخصّی، که مورد توافق همگان باشد، به دست نیامده است. مثلاً ارسطو می گوید: هنر، اساساً فرآورده ای عقلانی است، در حالی که بسیاری دیگر، هنر را نتیجه احساس و الهام می دانند و هر گونه رابطه آن را با عقل، مردود اعلام می کنند. تولستوی، رمان نویس بزرگ روسی، در یکی از کتاب هایش به نام هنر چیست؟، هنر را فعّالیتی حاصل از تلاش و سرمایه آدمی می داند که خدمت گزار اخلاق باشد و معتقد است هنر راستین، آن هنری است که در خدمت هدفی نیک باشد و تلاش می کند که این هدف نیک و چگونگی رسیدن به آن را توضیح دهد. در مقابل دیدگاه تولستوی، که هنر را تلاشی برای ترویج ارزش های اخلاقی و اجتماعی می داند، گروهی (مدافعان مکتب هنر برای هنر) قرار می گیرند که اعتقاد دارند این تعریف هنر چیست؟ نیست؛ بلکه تعریف هنر چه باید باشد؟ است. از نظر آنها هنر تنها نباید از دید وسیله ای برای انتقال ارزش های اجتماعی نگاه کرد و چه بسا آثار هنری ای که هیچ ارزش اجتماعی یا اخلاقی را تبلیغ نمی کنند و یا حتی در مقابل ارزش های اجتماعی، به پا می خیزند و در عین حال، از نظر هنری، دارای ارزش و اعتبار خیلی زیادی هم هستند. ضمن این که ممکن است ارزش های اجتماعی از جامعه ای به جامعه دیگر، متفاوت باشند و چیزی که در یک اجتماع ارزش پنداشته می شود، در اجتماعی دیگر، ضد ارزش نامیده شود.بر همین اساس، آثار هنری را به دو دسته هنرهای مفید و هنرهای زیبا تقسیم می کنند. به این ترتیب که در اصطلاح، به هنرهایی هنرهای مفید گفته می شود که در درجه اول، کارکرد و فایده مندی آنها مورد نظر است و به عبارتی، ساخته شده اند تا مورد استفاده قرار بگیرند، مانند: طرّاحی اتومبیل، معماری، طرّاحی داخلی منزل، سینما و... . در مقابل، هنرهای زیبا به هنرهایی گفته می شود که فقط به خاطر زیبا بودنشان خلق شده اند و به عبارتی، نه به خاطر چیزی دیگر؛ بلکه به خاطر خودشان به وجود آمده اند (مانند: نقاشی، پیکرتراشی، آواز، موسیقی، رقص و...). نکته قابل توجّه در این میان، این است که هنرهای

www.ketab.ir

گوناگون(زیبا و مفید) در زمان های مختلف، بسته به اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی خاصّ آن دوره، فراز و فرودهایی داشته اند. برای مثال، باغ آرایی» از قرن هجدهم به بعد، موقعیت خود را به عنوان یک هنر زیبا از دست داده است و یا می توان با توجّه به پیشرفت فنون مختلف، به هنرهای جدیدی چون سینما» اشاره کرد که ابتدا خود را به عنوان یکی از هنرهای زیبا، وارد عرصه هنر کرد، ولی در عصر حاضر، به یک هنر مفید، در اختیار صاحبان رسانه، به منظور رسیدن به اهدافی خاص (آموزشی، تربیتی، ترویجی، تبلیغی، اقتصادی و...) قرار گرفته است. از نمونه های دیگر این گونه دگرگونی ها می توان به سفالگری، معماری، ترمه دوزی و... اشاره کرد. بنا بر این، آثار به جا مانده در غارهای لاسکو و آلتامیرا را هم می توان به عنوان هنرهای مفیدی به حساب آورد که پدیدآورندگان آنها در زمان آفرینششان، هیچ توجّهی به جنبه هنری بودن آنها نداشته اند؛ امّا امروزه، آن آثار، نه تنها دیگر کارکرد اولیه خود را به عنوان یک هنر مفید از دست داده اند، که به یک نمونه ارزشمند از هنر زیبا تبدیل شده اند و این امر، نمی تواند این ذهنیت را در ما به وجود بیاورد که پدیدآورندگان این آثار، هنرمند نبوده اند.هر چند که از سوی صاحب نظران، تعاریف گوناگون و گاه متضادی از هنر ارائه شده است، امّا در یک نگاه کلی می توان گفت که تقریباً تمام این تعاریف، بر این ویژگی مشترک آثار هنری اتفاق نظر دارند که: اثر هنری، هر چیز زیبایی است که ساخت بشر باشد و طبعاً هر یک پدیده طبیعی فرق می کند. مثلاً احتمال دارد که تنه یک درخت، به صورت طبیعی، به شکل خاصی درآمده باشد که از نظر زیبایی شناسی، مورد توجه انسان قرار گیرد. در این حال، ما نمی توانیم آن را یک اثر هنری بنامیم؛ چون انسان آن را نساخته است. امّا اگر کسی یک تنه درخت را با استفاده از ابزارهای مکانیکی که در اختیار دارد، به همان صورت شکل دهد، می گوییم که آن شخص، یک هنرمند است و اثری که به وجود آورده، یک اثر هنری است.افراد مختلف، با دیدگاه های متفاوتی به هنر می نگرند و برداشت های آنها از مفهوم هنر و معیارهایی که برای آثار هنری در نظر می گیرند، بسیار متفاوت است. مثلاً در گذشته، ویژگی هایی چون: زیبایی، الهام، مهارت و استادی، شبیه سازی یا بازنمایی طبیعت و... به عنوان ویژگی های یک اثر هنری، مورد توجّه بودند؛ امّا امروزه، مهم ترین ویژگی ای که هنرمندان معاصر برای یک اثر

www.ketab.ir

هنری در نظر گرفته اند، نوگرایی و نوآوری است. به طوری که دوبوفه، نقاش فرانسوی، می گوید: گوهر هنر، تازگی [یا بدیع بودن] است. بنابراین، نگرش های مربوط به هنر، باید تازه و بدیع باشند. تحوّل دائم، تنها رهیافت شایسته هنر است. بر این اساس، اگر تازگی، تنها شرط لازم و کافی برای پذیرش یک اثر هنری باشد، نباید دچار شگفتی شویم که هر روز با آثار گوناگونی از آثار متعارف و نامتعارف هنری رو به رو شویم. در حقیقت، هدف مارسل دوشان از خلق این اثر، ایستادگی در برابر اصول مسلّط و اعتراض به ارزش های متعارف در هنر کلاسیک (رسمی) و جاافتاده، در جامعه بوده است. در صورتی که اگر بخواهیم از جنبه های هنری به این اثر نگاه کنیم، باید به هیچ وجه، هنری بودن آن زیر سؤال نمی رود؛ چرا که این لگن دستشوئی، واقعاً یک اثر هنری است و می توانیم آن را جزو دسته هنرهای مفهومی قرار دهیم امّا نکته ای که هست، این است که ما به دلیل تکرار و عادت، دیگر به این گونه به عنوان یک اثر هنری نگاه نمی کنیم، ولی مارسل دوشان، با این کار، به ما تذکر می دهد که از جنبه های زیبایی شناختی چنین اشیایی غافل نشویم. روزمرّگی، باعث نشود که هنر به کار رفته در طرّاحی آنها را نادیده بگیریم. اگر بخواهیم نمونه های دیگری از این گونه آثار را بررسی کنیم، می توانیم به قطعه موسیقی ای با نام{ "۳۳ '۴"} (چهار دقیقه و سی و سه ثانیه)، اثر جان کیج، اشاره کنیم که از چهار دقیقه و سی و سه ثانیه سکوت تشکیل شده است و یا اثری جعبه های بریلو{ که از چند جعبه صابون با مارک بریلو} ساخته شده که به وسیله اندی وارهول، به شیوه خیلی ساده ای روی هم چیده شده بودند. اینها نمونه هایی ویژه روزگار ما هستند. این اختلاف نظر در ماهیت هنر و نقش آن در زندگی بشر، ویژه زمان ما نیست و از گذشته های دور، مورد بحث بوده است؛ امّا عناصر جدیدی که از زندگی مُدرن به درون این تعاریف وارد شده اند، باعث تغییر شکل و هویت و نقش هنر و آثار هنری در دوره معاصر شده اند.تاریخ هنر در دوران اخیر، سرشار از نمونه هایی از هنر است که به علّت آن که با تصوّرات پذیرفته شده همگان از هنر (یعنی از موسیقی، تئاتر، نقاشی، مجسّمه سازی و...) منطبق نبوده اند، در نظر عامّه، اصلاً هنر به حساب نیامده اند؛ ولی بعداً به عنوان هنر (حتّی شاید هنر بزرگ) پذیرفته شده اند؛ و دلیلش آن بوده که برخی از کارشناسان، آنها را هنر دانسته اند و در تشریح و توضیح آنها

www.ketab.ir

برای عامه بی علاقه، از پای ننشسته اند. مثلاً آرتور دانتو، دلیلی که برای هنر نامیدن لگن توالت دوشان می آورد، این است که: خود اثر، خصوصیاتی دارد که لگن های عادی دیگر ـ فی نفسه ـ فاقد آنها هستند و آنها عبارت اند از: جسارت، دریدگی، گستاخی، شوخ طبعی و زیرکساری». این ویژگی هاست که لگن دوشان را مستحقّ نام هنر می سازد. همه قبول دارند که تاج و ریشه درخت یکسان رشد نمی کنند. میان بالا و پائین درخت هیچ تشابه ظاهری وجود ندارد. کاملاً واضح است که عملکرد گوناگون اجزای مختلف در آنها تفاوتی بوجود می آورد. فقط هنرمند است که این فرمهای برگرفته از طبیعت را با به نیاز اثرش نادیده می گیرد و حتی به عدم مهارت و تغییر عمدی واقعیات محکوم می شود. و با این حال، در مقام مشخص خویش بعنوان تنه درخت، فرم انچه را که از ریشه در وی جریان یافته را جمع آوری و منتقل می کند نه کاری انجام می دهد و نه حکمی صادر می کند. فقط منتقل می کند. موقعیت او بدان مهم بنظر نمی رسد. زیبایی تنه درخت در برابر زیبایی تاج آن هیچ است. مناخ ماهیت کلی چیزی که از اجزای گوناگون متعلق به ابعاد مختلف تشکیل شده باشد، بسیار دشوار است. و نه تنها طبیعت بلکه هنر که تغییر یافته طبیعت است، هردو چنین ماهیت هایی هستند. درک چنین ماهیتی برای خود انسان دشوار است چه برسد به اینکه بخواهد دیگری را به چنین شناختی هدایت کند. و این به آن دلیل است که روشهای انتقال مفاهیم سه بعدی در فضا، محدود است و محدودیت کلامی نیز وجود دارد. بدون درنظر گرفتن بررسی هایی که هر جزء به تنهایی ایجاب می کند نباید فراموش کرد که هر جزء تنها بخشی از یک کل است. در غیر این صورت در مواجهه با اجزای دیگری که ابعاد جدیدی دارد و در جایی قرارگرفته اند که همه ابعاد شناخته شده قبلی محو است، دچار مشکل می شویم. ما به هر بعدی که با گذشت زمان از نظر ناپدید می شود می گوئیم: تو به گذشته تعلق داری. اما بعید نیست که در آینده باز هم در بعد جدیدی یکدیگر را ملاقات کنیم و بار دیگر تو به حال تبدیل شوی اگر با گسترش بعدها، در درک بخشهای مختلف ساختار دچار مشکل شویم باید بسیار صبور باشیم. آنچه هنر به اصطلاح فضایی در ابراز آن موفق بوده و حتی هنر موسیقی که محدود به زمان است از طریق هماهنگی چند صدایی به آن دست یافته، این پدیده ابعاد گوناگون که همزمان هنر را به اوج می رسانند، متأسفانه هنوز هیچ

www.ketab.ir

جایگاهی در دنیای کلمات ندارد. در این شیوه بیان ،انتقال ابعاد مختلف ناگزیر بصورت خارجی صورت می گیرد.با این حال، برایتان مفید خواهد بود اگر با مشاهده هر تصویری، پدیده رویارویی با چند بعد متفاوت را درنظر داشته باشید. شاید بعنوان یک راهنمای کوچک، که نباید با تاج درخت مقایسه شود، شاید بتوانم دیدگاه ارزشمندی در شما ایجاد کنم .خلق یک اثر هنری خواه ناخواه با تغییر شکل فرمهای طبیعی همراه است چرا که ناگزیر وارد بعد خاصی از هنر تصویری می شود. این ابعاد خاص چه هستند؟خط – تنالیته و رنگ، فاکتورهای ظاهری که هرکدام کم و بیش محدودیتهای خاص خود را دارند. در این میان، خط تنها به عنوان وسیله ساده اندازه گیری، محدود ترین است. ویژگیهای آن عبارتند از طول (کوتاه یا بلند) ، زاویه (منفرجه یا حاده) و میزان انحنا و فاصله کانونی آن. همه اینها مقادیر قابل اندازه گیری اند.مشخصا خط "بعدار" است، درحالیکه امکان اندازه گیری به خودی خود مورد تردید است، بنابراین نمی توان خط را معیاری کاملا دقیق دانست.تنالیته یا رنگ مایه، درجات گوناگون رنگ از سیاه تا سپید، ماهیت کاملا متفاوتی دارد. مشخصه آن "وزن" است. یک رنگ به تنهایی ممکن است بیشتر به سپیدی متمایل باشد و دیگری بیشتر به سیاهی. یک رنگ دارای تنالیته های مختلف است که نسبت به هم قابل سنجش اند. بعلاوه رنگهای سیاه را می توان به نرم سفید (در زمینه سفید) و رنگهای سفید را به نرم سیاه (در زمینه سیاه) یا هردو را به رنگ خنثی (خاکستری) ارتباط داد. سومین فاکتور رنگ است که ویژگیهای کاملا متفاوت دارد. براکه رنگ را نه می توان وزن کرد و نه اندازه گرفت. با خط کش و ترازو نمی توان میان دو سطح یکسان زرد و قرمز که هم اندازه اند و درخشندگی یکسانی دارند، تفاوتی قائل شد و با این حال هنوز یک تفاوت اساسی وجود دارد که ما آن را زردی و قرمزی می نامیم. این مقایسه همانند شیرینی و شوری – شکل ناب است. بنابراین می توان رنگ را کیفیت دانست .اکنون در درجه اول کیفیت است. در درجه دوم وزن است چون علاوه بر ارزش رنگی، درخشندگی نیز دارد. قابل اندازه گیری نیز هست چرا که در کنار کیفیت و وزن، محدوده و گستردگی خاص خود را نیز دارد. تنالیته در درجه اول وزن است. ولی به لحاظ محدویتها و گستردگیهایش اندازه نیز هست. اما خط فقط اندازه است. بنابراین سه کمیت بدست آوردیم که هر سه در مورد رنگ، دوتای آنها در

www.ketab.ir

مورد تنالیته و فقط یکی از آنها درباره خط، صدق می کند. این سه کمیت هرکدام به نوعی ماهیت رنگ را القاء می کنند. در اینجا کمیتهای قابل ترکیبی وجود دارند که اگر درست بکار روند به وضوح قابل مشاهده اند. بنابراین ابهام در اثر هنرمند تنها درصورت وجود ضرورت واقعی درونی مجاز است. ضرورتی که بتواند علت استفاده از خطوط رنگی یا خطوط کاملا ساده، یا حتی ابهام بیشتر مثلا در استفاده از سایه هایی که از زرد به آبی می رسند، را بیان کند سمبل خط مقیاسی با طولهای متفاوت است و سمبل وزن تفاوت درجات مختلف بین سپید و سیاه است. سمبل رنگ چیست؟ ویژگیهای رنگ را با چه واحدی می توان به بهترین شکل بیان کرد؟ توسط دایره رنگهای اصلی که بهترین و مناسبترین وسیله توصیف ارتباط بین رنگها است. ارتباط رنگها بر روی این دایره که توسط سه قطر به شش قسمت تقسیم شده، بر روی پس زمینه کلی مشخص می شود. این ارتباط ها در وحله اول قطری است و همانطور که سه قطر وجود دارد، سه رابطه قطری نیز بوجود می آید به نام قرمز سبز- زرد بنفش- آبی نارنجی (جفت رنگهای مکمل). در دایره رنگهای اصلی به دنبال هر کدام از رنگهای اصلی یکی از رنگهای ترکیبی قرار گرفته اند، به گونه ای که رنگهای ترکیبی (که سه تا هستند) میان رنگهای اصلی سازنده خود قرار می گیرند. این ترتیب که سبز میان زرد و آبی، بنفش میان قرمز و آبی و نارنجی میان زرد و قرمز قرار می گیرد. جفت رنگهای ترکیبی اگر بصورت قطری بایکدیگر ترکیب شوند، همدیگر را خنثی می کنند یعنی نتیجه ترکیب آنها بدین ترتیب، خاکستری خواهد بود.این مسئله درباره هر سه جفت رنگ صدق می کند به این دلیل که خاکستری فصل مشترک و منصف هرسه این قطرهاست. بعلاوه می توان مثلثی میان سه رنگ اصلی قرمز – زرد و آبی ترسیم کرد. در گوشه های مثلث خود رنگهای اصلی قرار دارند ضلعهای مثلث معرف رنگ بدست آمده از ترکیب دو رنگ اصلی دو سر ضلع است. بنابراین ضلع سبز در مقابل گوشه قرمز، بنفش مقابل گوشه زرد و نارنجی مقابل گوشه آبی قرار می گیرد. حالا سه رنگ اصلی وسه رنگ ترکیبی اصلی یا شش رنگ مجاور اصلی یا سه جفت رنگی داریم.موضوع عناصر اصلی را کنار می گذاریم و به اولین ساختاری می پردازیم که این سه عنصر اصلی در آن بکار رفته اند.این اوج تلاش خلاق آگاهانه، جوهر هنرها و بسیار تعیین کننده است. از این پس می توان

www.ketab.ir

ساختار را، پایه و اساس نیرویی دانست که ما را به سمت ابعادی متفاوت از تصاویر ذهنی آگاهانه، سوق می دهد.این مرحله شکل گیری به همان اندازه در جهت منفی هم می تواند تعیین کننده باشد. اینجاست که هنرمند ممکن است بزرگترین و ارزشمندترین جنبه محتوا را از دست دهد و شکست بخورد حتی اگر دارای استعداد بی نظیری باشد. چرا که ممکن است به آسانی تحمل خود را در مورد ظاهر از دست دهد. با توجه به تجربه شخصی خودم می توانم بگویم که این امر بستگی به حالت روحی هنرمند در زمانی دارد که عناصر ظاهری از جایگاه همیشگی، از آرایش مشخص خود خارج می شوند و کنار یکدیگر قرار می گیرند تا آرایش جدیدی بوجود آورند که ما آن را موضوع می نمایی حساب عناصر ظاهری و چگونگی ارتباط آنها با توجه به محدودیتهای موجود است که همانند تم در موسیقی است. همزمان با رشد این تصویر در برابر چشم اندیشه های تداعی کننده به آرامی ظاهری می شوند که ممکن است فرد را به تعابیر مادی گرایانه بکشانند. چرا که هر تصویر را هرچقدر هم که دارای پیچیدگی باشد، با اندکی تخیل می توان به تصویر مشابهی در طبیعت ربط داد. اگر این ویژگیهای تداعی کننده در ساختار بوجود آید، دیگر با نیت و خواست آگاهی هنرمند (حداقل عمیق ترین آنها) هماهنگی ندارد و فقط همین ویژگیهای تداعی کننده ساختار، منشاء سوء تفاهمات بسیار میان هنرمند و مخاطب عادی وی بوده است .درحالیکه هنرمند همه تلاش خود را می کند که عناصر ظاهری را به شکلی منطقی و بدون نقص در جایگاه اصلی خود و کنار یکدیگر قرار دهد، فرد عادی که از بیرون به تصویر نگاه می کند این کلمات وحشتناک را به کار می برد: " اما این که هیچ شباهتی به عمو ندارد".هنرمندی که افکارش منظم و سامان یافته باشد با خود می گوید که "عمو برود به جهنم من باید به فکر ساختار خودم باشم." این آجر جدید زیادی سنگین است و تعادل را برهم می زند. من باید تعادل ذهنی خود را حفظ کنم. او سپس آنقدر تغییر بوجود می آورد و کم و زیاد می کند تا ترازو سر انجام توازن را نشان دهد. اگر درنهایت تنزلی که ناگزیر برای بکارگیری عناصر مناسب ظاهری در ساختار اصلی بوجود آمده فقط تضاد میان تصویر و نمونه طبیعی آن را نشان دهد، او را آسوده خاطر می کنداما ممکن است دیر یا زود، این افکار تداعی کننده بدون دخالت مخاطب عادی به سراغ او بیاید. اگر این افکار به شکلی منطقی ظاهر شوند دیگر هیچ

www.ketab.ir

چیزی او را از پذیرش آنها باز نمی دارد. پذیرش تفکرات تداعی کننده مادی ضمیمه هایی دارد که به محض شکل گیری موضوع خواه ناخواه با آن مرتبط می شود. اگر او شانس بیاورد این فرمهای طبیعی تنها شکافهای کوچکی را که در ترکیب نهایی وجود دارد را می پوشانند. انگار همیشه آنجا بوده اند. بنابراین بحث بیشتر برسر فرم اثر هنری در آن لحظه است تا به سر این که آیا اصلاً چنین چیزی وجود دارد یانه.

www.ketab.ir

پیشگفتار

هنر و انواع مختلف آن یک موضوع مهم و کاربردی در جامعه کنونی از دیر باز بوده و هست؟ چرا که وجود هر هنر نشان از اعتبار و قدمت و فرهنگ جامعه دارد وجود و ایجاد رشته های مختلف دانشگاهی یکی دیگر از مهمترین عناوین قابل بحث می باشد از آنجا که انسان عاشق زیبایی و یک فرد کنجکاو و طالب پویایی است و همواره سعی کرده در تمام زمینه ها مهارت کسب نماید از جمله هنر است . ما در این مجموعه کتاب به معرفی رشته های مختلف هنری و قالبهای مختلف می پردازیم امید است توانسته باشیم در معرفی ورق مختصری از هنرهای موجود در جهان گام موثری برداشته باشیم

درانتها از تمام کسانیکه ما را در این زمینه همراهی کرده اند تقدیر و تشکر می نماییم

التماس دعا

علی فصیح - سعید طاهرخانی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

فصل اول ۳۳
تخیل در هنر پیش از اسلام در ایران ۳۳
تخیل هنرمند و ارتباط آن با ضمیر ناخودآگاه ۳۶
من (Ego) – فرامن (super Ego) – نهاد (ID) ۳۶
نهاد: ۳۶
من: ۳۶
فرامن: ۳۶
ناخودآگاه: ۳۷
هنر و بازی (رویای روز) و خیال پردازی یا فانتزی: ۳۷
هدف از رویای روز چیست؟ ۳۸
خیال و زمان ۳۸
نحوه ی تخیل پردازی هنرمند ۳۸
یونگ و ناخودآگاهی جمعی ۳۹
خواست ناآگاهانه: ۳۹
درک فروید و یونگ از اهمیت اسطوره‌ها: ۴۰
یونگ و اثر هنری ۴۰
دو شیوه در خلق اثر هنری از منظر یونگ ۴۱
تخیل غربی و شرقی در مورد تجربه ی ازلی: ۴۲
سورئالیسم و زیبایی ۴۲
فصل دوم ۴۷
تخیل در شرق ۴۷
معنی و مفهوم خیال در هنر های سنتی و مدرن: ۴۷

www.ketab.ir

هنر و متفکران اسلامی: ۴۹
آراء سهروردی در باب تخیل: ۵۰
آراء ابن عربی در باب تخیل: ۵۲
تفاوت تخیل در فرهنگ شرق و غرب: ۵۳
فصل سوم ۵۹
اثر هنری چه معنایی دارد؟ ۵۹
فرم ۵۹
رمز رنگ ۶۰
مفهوم نماد ۶۱
نقش رنگ در زندگی ۶۳
فصل چهارم ۶۹
رنگ های نمادین در میان جوامع ۶۹
قرمز نماد قدرت ۷۲
آبی نماد اعتماد ۷۴
زرد نماد تفکر مثبت ۷۶
نارنجی نماد شکوه و عظمت ۷۸
سبز نماد آرامش ۷۸
ارغوانی نماد اشرافیت ۷۹
بنفش رنگ ۸۰
قهوه ای نماد سادگی ۸۰
خاکستری نماد ابهام ۸۱
سفید نماد پاکی ۸۱
سیاه نماد مرگ ۸۲
فصل پنجم ۸۵

www.ketab.ir

بررسی تفاوت معنایی رنگ ها در چند منطقه جغرافیایی جهان ۸۵
خاورمیانه ۸۵
فلسطین ۸۶
مصر ۸۷
عربستان سعودی ۸۸
رنگ های اسلامی ۸۹
افریقا ۹۱
آسیای جنوب شرقی ۹۲
اقیانوسیه (جنوب شرقی) ۹۴
فصل ششم ۹۹
رنگ در ادیان ۹۹
سفید ۱۰۳
قرمز ۱۰۳
زرد ۱۰۴
آبی ۱۰۴
سیاه ۱۰۵
فصل هفتم ۱۰۷
مقایسه ی مفاهیم رنگ ها و بررسی آن در شاهنامه فردوسی ۱۰۷
رنگ سرخ ۱۰۷
رنگ زرد ۱۱۰
رنگ بنفش ۱۱۲
رنگ سبز ۱۱۳
نتیجه ۱۱۵
فصل هشتم ۱۱۹

www.ketab.ir

زیبا شناسی هنر ۱۱۹
تاریخچه زیبایی شناسی ۱۱۹
زیبایی شناسی هندی ۱۲۰
زیبایی شناسی چینی ۱۲۱
زیبایی شناسی آفریقایی ۱۲۱
زیبایی شناسی عربی ۱۲۲
زیبایی شناسی قرون وسطی غربی ۱۲۲
زیبایی شناسی مدرن ۱۲۳
زیبایی شناسی پست مدرن ۱۲۴
زیبایی شناسی [illegible] ۱۲۵
رابطه زیبایی شناسی [illegible] ۱۲۶
حقیقت و زیبایی و ریاضی ۱۲۷
استنتاج محاسباتی در زیبایی شناسی ۱۲۷
زیبایی شناسی تکاملی ۱۲۸
زیبایی شناسی کاربردی ۱۲۸
زیبایی شناسی و فلسفه و هنر ۱۲۹
فصل نهم ۱۳۱
اخلاقیات در زیبایی شناسی ۱۳۱
ارسطو، زیبایی و نیکی ۱۳۱
ارزش هنر ۱۳۲
زیبایی شناسی عمومی ۱۳۲
انتقاد ۱۳۳
سیر مفهوم زیبایی شناسی در تفکر غرب ۱۳۴
فصل دهم ۱۳۹

www.ketab.ir

لذت زیبایی شناسانه ۱۳۹
زیبایی شناسی در آراء متفکران ۱۴۰
رابطه هنر و زیبایی ۱۴۲
فصل یازدهم ۱۴۵
زیبایی شناسی در تفکر کروچه ۱۴۵
فصل دوازدهم ۱۵۵
تعلیم و تربیت: غایت هنر از دیدگاه افلاطون ۱۵۵
محاکات یا تقلید ۱۵۷
فصل سیزدهم ۱۶۱
هنر و علم تربیت ۱۶۱
درآمدی بر مفهوم پداگوژی و تناقض دوران ۱۶۱
فصل چهاردهم ۱۶۷
رمزگان هنر: ۱۶۷
بررسی فراشد ارتباطی هنر از طریق بررسی رمزگان (ساختار گراها) ۱۶۸
ماگریت و رمزگان بر آثار فلسفی اش: ۱۷۰
فصل پانزدهم ۱۷۵
سبک های نقاشی نوین ۱۷۵
فصل شانزدهم ۱۸۱
هنرمندان مطرح: ۱۸۱
فوویسم ۱۸۱
پیشینه ۱۸۱
هنرمندان ۱۸۲
کوبیسم ۱۸۲
ریشه واژه کوبیسم ۱۸۲

www.ketab.ir

کوبیسم به دو مرحله تقسیم میشود: ۱۸۳
کوبیسم تحلیلی: ۱۸۳
کوبیسم ترکیبی: ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ ..... ۱۸۳
هنرمندان ۱۸۴
اکسپرسیونیسم ۱۸۴
اکسپرسیونیسم در فرانسه ۱۸۶
اکسپرسیونیسم در انگلستان ۱۸۶
پیکره سازی ۱۸۷
جنگ های جهانی ۱۸۷
فوتوریسم ۱۸۷
آینده نگری حجمی (Cubo - Futurism) ۱۸۸
آینده گری در ایتالیا ۱۸۹
اصول کلی آینده گری ۱۹۰
پیکر سازی آینده گری ۱۹۰
معماری آینده ۱۹۱
سوررئالیسم ۱۹۱
اصول فراواقع گرایی ۱۹۲
فصل هفدهم ۱۹۵
مقدمه ۱۹۵
رنگ و تاثیر فردی و اجتماعی آن ۱۹۵
اثرات روانی رنگ ۱۹۸
رنگ در اعتقادات مذهبی ۱۹۹
آبی، قرمز، سبز، بنفش، نارنجی و زرد ۲۰۱
فصل هجدهم ۲۰۳

www.ketab.ir

رنگها چگونه بر کودکان تاثیر می گذارند ۲۰۳
رابطه رنگ با خواب کودکان در شب: ۲۰۴
رابطه رنگ با لباس کودک: ۲۰۵
رابطه رنگ اسباب بازیها با کودک: ۲۰۶
اتاق کودکان باید چه رنگی باشد؟ ۲۰۶
برای طراحی رنگ دکوراسیون اتاق کودکان دو راه وجود دارد: ۲۰۷
چند نکته مهم در مورد روان شناسی رنگ در کودک: ۲۰۷
فصل نوزدهم ۲۱۱
تغذیه رنگی ۲۱۱
اثرات رنگ لباسها بر روی بدن ۲۱۱
تاثیر رنگ بر روی حالات کودک ۲۱۲
تاثیر رنگ در اشتهای کودکان به غذا ۲۱۳
سبز: ۲۱۳
قهوه‌ای و سفید: ۲۱۴
تهیه غذاهای جذاب با خوراکیهای رنگی ۲۱۴
نتیجه گیری ۲۱۶
فصل بیستم ۲۱۹
مفهوم زیبایی ۲۱۹
زیبایی چیست؟ ۲۲
انواع زیبایی ۲۲۱
پس چهار نوع زیبایی داریم: ۲۲۲
آیا زیبایی مطلق است یا نسبی؟ (و یا در عالم خارج وجود دارد؟) ۲۲۴
فصل بیست و یکم ۲۲۷
زیبایی از دید حکما و فلاسفه ۲۲۷

www.ketab.ir

از دید سقراط ۲۲۷
از دید ارسطو ۲۲۷
دیدگاه فلوطین ۲۲۸
دیدگاه«رابرت گرستسته» درباره اخلاق هنر ۲۲۸
از دیدگاه نیچه ۲۳۰
تعریف کانت از زیبایی ۲۳۱
ز سر(۸۹-۱۷۲۰) ۲۳۲
مندلسن(۸۶-۱۷۲۹) ۲۳۲
نتیجه گیر : ۲۳۲
فصل بیست و ۲۳۵
هنرهای زیبا ۲۳۵
معنای اصطلاحی ۲۳۵
وجوه مشترک آثار هنری عبارت اند ۲۳۶
به طور سنتی مجموعه ی هنرهای زیبا ت سته تقسیم میشوند: ۲۳۷
بیست و سوم ۲۴۱
هنرهای زیبا ۲۴۱
نقاشی ۲۴۱
تاریخ نقاشی ۲۴۲
تکنیک های نقاشی ۲۴۲
سبک های معروف نقاشی ۲۴۳
تصویر سازی ۲۴۴
تصویرگری ۲۴۴
تصویرگری ادبیات کودکان ۲۴۵
فصل بیست وچهارم ۲۴۹

www.ketab.ir

خوشنویسی ۲۴۹
خوشنویسی در کشورهای مختلف ۲۵۰
پیدایش خط فارسی ۲۵۱
علت پیدایش الفبا ۲۵۱
خوشنویسی اسلامی ۲۵۲
سیر خط در ایران ۲۵۳
خوشنویسی ایرانی ۲۵۳
خط کوفی و درجه تقسیم آن ۲۵۶
نویسندگان خط کوفی در اسلام ۲۵۶
خطوطی که از خط کوفی مشتق گردیده ۲۵۶
تحولات نوین خوشنویسی ۲۵۸
روش های تفننی ۲۵۹
علت پیدایش ابزارهای خوشنویسی ۲۶۰
ابزارهای خوشنویسی ۲۶۰
ابزار کار یک خوشنویس مبتدی ۲۶۰
فصل بیست وپنجم ۲۶۳
عکاسی ۲۶۳
تاریخچه عکاسی ۲۶۴
عکاسی آنالوگ ۲۶۸
ظهور فیلم سیاه و سفید ۲۶۹
ظهور فیلم رنگی ۲۷۰
عکاسی دیجیتال ۲۷۱
هیستوگرام ۲۷۲
تجهیزات عکاسی ۲۷۲

www.ketab.ir

دوربین آنالوگ ۲۷۲
فیلم ۲۷۳
دوربین دیجیتال ۲۷۳
لنز ۲۷۴
انواع لنز به شرح زیر است: ۲۷۴
لنزهای ویژه ۲۷۵
مبدل ۲۷۵
دقش ۲۷۵
فیلتر ۲۷۶
پایه‌ها ۲۷۶
اصطلاحات فنی ۲۷۷
عکاسی اجسام بی جان ۲۸۰
عکاسی نجومی ۲۸۱
عکاسی ورزشی ۲۸۱
عکاسی پرتره ۲۸۱
عکاسی از طبیعت ۲۸۲
عکاسی حیات وحش ۲۸۲
عکاسی از مناظر ۲۸۳
عکاسی خبری ۲۸۳
عکاسی شب ۲۸۳
عکاسی ماکرو ۲۸۴
عکاسی صنعتی ۲۸۴
تکنیکهای عکاسی ۲۸۴
تحصیل در رشته عکاسی (ویرایش) ۲۸۷

www.ketab.ir

فصل بیست و ششم ۲۸۹
تندیس گری (مجسمه سازی) ۲۸۹
مجسمه سازی و مذهب ۲۸۹
مجسمه سازی در ایران ۲۹۰
بیست و هفتم ۲۹۵
رقص ۲۹۵
انواع رقص در فرهنگهای مختلف: ۲۹۶
رقص باله: ۲۹۶
رقص سنتی و رقص ملی: ۲۹۶
رقص بالروم: ۲۹۶
رقص آئینی: ۲۹۶
رقص در نواحی مختلف ایران: ۲۹۷
رقص در مازندران: ۲۹۷
رقص در کردستان، کرمانشاه و لرستان: ۲۹۷
رقص در بلوچستان: ۲۹۸
رقص در سواحل جنوبی: ۲۹۸
رقص آذربایجان: ۲۹۸
رقص در خراسان: ۲۹۹
رقص در عشایر: ۲۹۹
فصل بیست و هشتم ۳۰۱
تئاتر (نمایش) ۳۰۱
زیر شاخههای تئاتر ۳۰۱
نمایش: ۳۰۲
پانتومیم (بی کلام): ۳۰۲

www.ketab.ir

نمایش روحوضی: ۳۰۲
تعزیه خوانی: ۳۰۲
پرده خوانی: ۳۰۲
نمایش عروسکی: ۳۰۲
پیشینه ۳۰۳
تئاتر و درام در یونان باستان ۳۰۶
ایران ۳۱۱
تئاتر چیست و تاریخچه آن ۳۱۲
شکل و معمای نمایشنامه ۳۱۶
تاریخچه حضور زنان در تئاتر ایران ۳۱۹
نمایش در چین ۳۲۳
فصل بیست و نهم ۳۲۵
هنر و ادبیات چین قبل از سلسله ها ۳۲۵
سلسله هان ۳۲۵
سلسله یانگ ۳۲۵
سلسله سونگ ۳۲۵
ویژگیهای اجرای نمایشی چین ۳۲۶
نمایش در قرن ۱۶ و ۱۷ اسپانیا ۳۲۶
فرانسه آغاز دوره نئوکلاسیک ۳۲۶
نمایش در سده ۱۸ در فرانسه ۳۲۷
فصل سی ۳۲۹
سینما ۳۲۹
ریشه نامگذاری ۳۲۹
تاریخچه ۳۲۹

www.ketab.ir

ساختار سینما ۳۳۰
اکران ۳۳۲
فصل سی ویکم ۳۳۳
معماری ۳۳۳
بس ذ نه گی معماری ۳۳۳
مع ری هنر ۳۳۴
معم ری و مهندس ۳۳۵
ایستایی ۳۳۷
کارایی ۳۳۸
طبیعت در معماری ۳۳۹
چندنکته ۳۴۱
فصل سی و دوم ۳۴۵
موسیقی ۳۴۵
ریشه واژههای موسیقی و خنیا ۳۴۵
تعاریف گذشتگان از موسیقی ۳۴۵
نظریههای زیبایی شناسی درباره موسیقی ۳۴۷
تاریخچه زیبایی شناسی در موسیقی (ویرایش) ۳۴۷
تقسیم بندی موسیقی ۳۴۸
بر اساس ساختار آوا شناسی ۳۴۸
بر اساس ساختار گامها ۳۴۹
براساس تعداد نتها در گام ۳۴۹
از دیدگاه ضرب آهنگ ۳۴۹
از دیدگاه ناحیه پیدایش ۳۵۰
از دیدگاه خاستگاه معنایی – کلامی و جایگاه اجتماعی ۳۵۰

www.ketab.ir

از لحاظ اولویت کلام یا ساز ۳۵۰
از دیدگاه کاربردی ۳۵۰
از لحاظ سازبندی (ارکستراسیون) و آوایی ۳۵۰
بر پایه فرم موسیقی ۳۵۱
تئوری موسیقی ۳۵۱
دیدگاه فرهنگها و ادیان به موسیقی ۳۵۲
اسلام و موسیقی اسلامی – دیدگاه اسلام به موسیقی ۳۵۲
بررسی آلات موسیقی ۳۵۲
نی ۳۵۲
سرنا ۳۵۲
کرنا ۳۵۳
نی انبان ۳۵۳
آلات موسیقی زهی ۳۵۳
بربط ۳۵۳
رباب ۳۵۴
تار ۳۵۴
گیتار ۳۵۴
آلات موسیقی ضربی ۳۵۴
دهل ۳۵۴
دایره ۳۵۵
طبل ۳۵۵
تنبک ۳۵۵
سازهای مضربی (زهیکوبی) ۳۵۵
پیشنهاد ۳۵۶

www.ketab.ir